

پاشنه آشیل سریال‌های تاریخی



چطور می‌شود که شخصیت‌هایی مثل دونگ‌یی، جو مونگ و دیگر نسخه‌های مجعول تاریخی دیگران برای مخاطب از تمام شخصیت‌های حقیقی تاریخ ایران شناخته شده‌ترند؟

چطور می‌شود که شخصیت‌هایی مثل دونگ‌یی، جو مونگ و دیگر نسخه‌های مجعول تاریخی دیگران برای مخاطب از تمام شخصیت‌های حقیقی تاریخ ایران شناخته شده‌ترند؟

برخی از شخصیت‌هایی که اخیراً هم زیاد سروکله‌شان در شبکه‌های ماهواره‌ای دیده می‌شوند، واقعی و برخی هم غیرواقعی هستند. آن شخصیت‌هایی که واقعی هستند، چنان هنرمندانه به آنها بال و پر داده‌اند که جذاب و به یادماندنی شده‌اند و آن شخصیت‌هایی که غیرواقعی هستند چنان به آنها پرداخته شده که از هر شخصیت واقعی زنده‌تر به نظر می‌رسند. چه شده‌است که سریال‌های تاریخی ایران در این چندسال اخیر نتوانسته شخصیت به یادماندنی در حد رضاخوشنویس، قطام، رئیسعلی دلواری و شعبان استخوانی بسازد که پس از گذشت سال‌ها هنوز برای مخاطبان به یادماندنی و جذاب باشد؟ بی‌تردید برای حل این مسئله باید به سراغ شخصیت‌پردازی و فیلمنامه‌نویسی سریال‌های تاریخی رفت. جای شکی نیست که پاشنه‌آشیل سریال‌های تاریخی ایران در جذاب نبودن قصه و فیلمنامه است. وقتی فیلمنامه قوت لازم را برای شخصیت‌پردازی نداشته باشد تکیه صرف به ابزارهایی مثل طراحی لباس و صحنه یا چهره‌آرایی نیز نمی‌تواند قدرت کافی برای جذب مخاطب داشته باشد.

از سوی دیگر روایت خشک و خالی تاریخ یکی از عواملی است که باعث شده که مخاطب ایرانی از دیدن سریال‌های تاریخی ایرانی دست بکشد و به جای آن دل به شخصیت‌های تاریخی پر زرق و برق خارجی بدهد که یا از تلویزیون ایران پخش می‌شود و یا از شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای. داستان سریال‌های تاریخی خارجی چنان با آب و تاب تعریف می‌شود که مخاطبان ایرانی با آنها بهتر از شاه‌عباس سریال روشن‌تر از خاموشی (به کارگردانی حسن فتحی) هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و با غم و شادی خرم سلطان که داستان تحریف شده آن حتی صدای خود ترک‌ها را هم در آورده است بیشتر همراه می‌شوند.

البته نمی‌توان تلاش‌های تلویزیون را برای ساخت سریال‌های تاریخی نادیده گرفت. در سال‌های اخیر بودجه‌های بسیار صرف ساخت سریال‌های تاریخی شده‌است اما به نظر می‌رسد که بجز معدودی از این سریال‌ها نتوانسته است مخاطب ایرانی را جذب کند چرا که هنوز سریال‌های تاریخی خارجی برای مخاطب جذاب‌تر از سریال‌های وطنی است. عدم‌این جذابیت را همانطور که گفته شد باید در قصه و فیلمنامه جست اما در این میان نباید کمبود بودجه و زمان تحقیق برای نگارش فیلمنامه و خلق شخصیت‌های ماندگار را نادیده گرفت. در حال حاضر که تلویزیون به مشکلات مالی خورده‌است، سریال‌های تاریخی به دلیل هزینه و زمانبر بودن در ساخت قطعا در اولویت اول تلویزیون نخواهند بود و متأسفانه غفلت از معرفی تاریخ و شخصیت‌های تاریخی کشور ایران که به لحاظ فراوانی موضوعات و با تکیه بر فراوانی ادبیات و تاریخ ایران بزرگ قابل تامل است، لطمه جبران‌ناپذیری برای مخاطبان خواهد بود چرا که در این میان سریال‌های خارجی به راحتی می‌توانند به این علاقه مخاطب پاسخ دهند.

ناگفته پیداست که پخش سریال‌های خارجی به معنی نفی تأثیرگذاری مثبت این سریال‌ها در پخش فرهنگ و تاریخ کشورهای دیگر نیست که پخش سریال‌های خارجی خود بابتی برای آشنایی مخاطب ایرانی با فرهنگ‌های دیگر می‌گشاید اما نباید فراموش کرد که تاریخ هر کشور بخش مهمی از هویت هر فرد و هر ملت است و آگاهی از تاریخ و ساخت سریال‌های جذاب تاریخی براساس فرهنگ و تمدن ایرانی وظیفه رسانه ملی است.